

فصل اول: خداشناسی



در سال‌های پیش با برخی از نام‌ها و ویژگی‌های خداوند آشنا شدیم. دانستیم که او آفریدگار همه موجودات است و تمام هستی را با نظم و حکمتی شگفت‌انگیز به وجود آورده است. او همه آفریده‌هایش را می‌بیند و یاریگر آنهاست. دعا‌های آنها را اجابت می‌کند و به سپاس گزاران لطف بیشتری دارد. فصل نخست کتاب حاضر نیز مانند کتاب‌های پیشین به خداشناسی اختصاص دارد.

درس اول (عفو و گذشت) به بررسی غفاریت و گذشت خداوند می‌پردازد و گوشه‌ای از دریای بی‌پایان محبت و گذشت او را به ما نشان می‌دهد. همچنین این درس به ما می‌آموزد که گذشت نسبت به دیگران ما را مورد توجه بیشتر خداوند قرار می‌دهد.

درس دوم (هر چیزی به جای خویش نیکوست) به ما نشان می‌دهد که آفرینش موجودات با یکدیگر متفاوت است و خداوند حکیم آنها را مانند هم نیافریده است. این درس دلیل برخی از تفاوت‌ها را نیز در میان انسان‌ها بررسی می‌کند.



عفو و گذشت

آمرزنده پرده پوش

مدت‌ها بود که دیگر باران نمی‌بارید و سایه سنگین خشکسالی و قحطی بر سر مردم سنگینی می‌کرد.

مردم که دیگر فهمیده بودند همه مشکلاتشان به خاطر گناهان خودشان است، همگی نزد پیامبرشان رفتند :

— ای پیامبر خدا، اگر باران نبارد، همگی از تشنگی و گرسنگی خواهیم مرد. چه کنیم؟
— زن و مرد، کوچک و بزرگ و پیر و جوان، همه جمع شوید تا برای درخواست بخشش از خداوند و نماز باران از شهر بیرون برویم...

همه در بیابان مشغول مناجات بودند که فرشته وحی نازل شد :
— در میان مردم کسی هست که مرتکب گناهان بزرگی می‌شود، او هنوز توبه نکرده است. تا او در میان مردم باشد، دعای آنها مستجاب نمی‌شود.

گویا خداوند می‌خواست همه مردم توبه کنند و از گناهان پاک شوند. پیامبر خدا موضوع را با مردم در میان گذاشت.

آن فرد گناهکار لحظات سختی را می‌گذراند. مردم کنجکاوانه می‌خواستند بدانند او کیست؟ اگر بلند می‌شد و بیرون می‌رفت، آبرویش بیش همه می‌رفت و دیگر نمی‌توانست در آن شهر زندگی کند. احساس کرد خیلی تنه‌است. سرش را پایین انداخت و قطره‌های اشک از چشمانش فرو چکید :



خدایا، اکنون فقط تو صدای مرا می‌شنوی و از دل من آگاهی. خدایا، از تو عذر می‌خواهم و عهد می‌کنم که دیگر آن گناهان را تکرار نکنم. مردم هنوز منتظر بودند فرد گناهکار را ببینند که ناگهان صدای رعد و برق و بارش باران آنها را به خودشان آورد. هیچ‌کس از بین جمعیت بیرون نرفت، پس آن فرد گناهکار کیست؟ پیامبر خدا این پرسش را از خداوند پرسید.

– ای پیامبر ما، او دیگر گناهکار نیست. بنده ما توبه کرد و به سوی ما بازگشت.
– خداوند، او را به من معرفی کن تا حداقل من او را بشناسم!
– آن زمان که او گناهکار بود آبرویش را نبردیم، اکنون که بازگشته و دوست و بنده ما شده است آبرویش را ببریم؟!

فعالیت کلاسی

- ۱- به نظر شما تأخیر در نزول باران از سوی خداوند چه نتیجه مثبتی به دنبال داشت؟
- ۲- نمونه‌های دیگری از بخشندگی و گذشت خداوند را بیان کنید.



داستانی که خواندیم شما را به یاد کدام یک از نام‌های خداوند می‌اندازد؟ یکی از نام‌های خداوند بلندمرتبه غَفَّار است؛ یعنی بسیار آمرزنده. شاید برای شما هم پیش آمده باشد که به طور اتفاقی یا از روی نادانی کسی حق شما را ضایع کند یا اینکه نسبت به شما رفتار بدی نشان دهد. در این هنگام، شما چه واکنشی از خودتان نشان داده‌اید؟

برخی از مردم هرگز حاضر نیستند خطاهای دیگران را ببخشند. عده‌ای هم فقط از اشتباهات کوچک دیگران، چشم پوشی می‌کنند، اما نمی‌توانند از اشتباهات بزرگ آنان بگذرند. خداوند بخشایشگر، نه تنها خطاهای کوچک، بلکه همه گناهان و حتی اشتباهات متعدد بندگان را نیز می‌آمرزد. تنها کافی است بنده‌ای از کار زشتش پشیمان شود و تصمیم بگیرد دیگر آن کار را تکرار نکند.^۱

اکنون به نظر شما خداوند کدام گروه از بندگان را بیشتر دوست دارد؟ آنان که مانند خودش اهل گذشت و بخشش‌اند، یا انسان‌های بی‌گذشت؟

[مؤمنان] باید عفو و گذشت پیشه کنند

و [از یکدیگر] درگذرند.

آیا دوست نمی‌دارید که خدا هم شما را ببامرزد؟
خداوند آمرزنده و مهربان است.

«...وَلْيَعْفُوا

وَلْيَصْفَحُوا

أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ

وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»^۲

فعالیت کلاسی

در جامعه‌ای که هیچ کس حاضر به عفو و بخشش خطاهای دیگران نباشد، چه اتفاقی خواهد افتاد؟
با هم کلاسی‌هایتان گفتگو کنید و رفتار افراد بخشنده و افراد بی‌گذشت را در اتفاقات روزمره زندگی با هم مقایسه کنید.

۱- روشن است که اگر حق الناس به عهده کسی باشد، برای توبه کردن پشیمانی کافی نیست و انسان باید حقوق مردم را جبران کند.

۲- سوره نور، آیه ۲۲.

گذشت زیبا

درشت استخوان بود و بلندقامت! محکم و استوار قدم برمی‌داشت و با گام‌هایی آرام، بازار کوفه را طی می‌کرد. اندام ورزیده و چهره آفتاب سوخته‌اش در کنار زخم شمشیری که از جنگ‌های قبلی روی صورتش به یادگار مانده بود، به او ابهت خاصی می‌بخشید.

در شلوغی بازار، چند نفر با هم مشغول گفتگو بودند. در این میان، فردی که کارش خنداندن دیگران بود، مشت‌های زباله برداشت، چشمش به نزدیک‌ترین عابر که افتاد، زباله‌ها را به طرف او پرتاب کرد؛ صدای خنده آنها توجه دیگران را نیز جلب کرد.



زباله‌ها روی شانهٔ مرد بلند قد ریخت و لباس و بدنش را آلوده کرد. گره‌ای که در ابروها و پیشانی بلندش افتاد نشان می‌داد که سخت عصبانی شده است. او سر جایش ایستاد و انگشتان را در مشتش فشرد، اما پس از مدت کوتاهی بر خلاف انتظار حاضران که دعوایی سخت را پیش‌بینی می‌کردند، بدون اینکه حتی به طرف آنان برگردد، راه خودش را در پیش گرفت و از آنان دور شد.

یکی از آنان گفت: خدا خیلی به تو رحم کرد، اگر به سراغت می‌آمد ...

— او یک نفر بود و ما چند نفر، اگر هم دعوایی پیش می‌آمد، خودش پشیمان می‌شد.
یکی از بازاریان که از دور ماجرا را تماشا می‌کرد، هراسناک خودش را به آنان رساند و گفت:
هیچ می‌دانید به چه کسی توهین کردید؟
— او هم یکی بود، مثل هزاران عابری که هر روز از این بازار می‌گذرند، فقط قدش کمی بلندتر
از بقیه بود.

— اگر او را شناخته بودید، این گونه نمی‌خندیدید، او فرمانده لشکر اسلام، مالک اشتر بود!
ناگهان صدای خنده قطع شد و رنگ از رخسار آن جمع پرید.
— همان مالک اشتر معروف که نامش دل شیر را آب می‌کند؟ همان که پهلوانان دشمن از شنیدن
نامش به خود می‌لرزند؟ بعد کمی سکوت کرد و آرام گفت:
— وای بر من! چه حماقتی کردم! الان دستور خواهد داد مرا بگیرند و سخت مجازات کنند. باید
بروم و از او عذرخواهی کنم. حتی اگر لازم شود به او التماس خواهم کرد ...
به دنبال مالک اشتر به راه افتاد. مالک وارد مسجدی شد. او نیز آرام و با ترس و لرز وارد
مسجد شد. مالک اشتر به نماز ایستاد. نفس راحتی کشید و منتظر ماند تا نمازش تمام شود.
مرد با سرافکنندگی و پشیمانی کنار او نشست و با صدایی لرزان گفت: من همان کسی هستم
که در بازار به شما بی‌ادبی کردم. از شما معذرت می‌خواهم و تقاضا می‌کنم از مجازات من صرف نظر
کنید.

مالک جواب داد: اشتباه می‌کنی. به خدا قسم من فقط به خاطر دعا برای تو به مسجد آمدم.
وقتی دیدم تو بی‌دلیل مردم را آزار می‌دهی، دلم برایت سوخت. برای همین هم به مسجد آمدم تا دعا
کنم و از خدا بخواهم که تو را به راه درست هدایت کند.^۱



عفو و گذشت از خطاهای دیگران، نه تنها موجب خشنودی خداوند می‌شود و انسان را از
رحمت بیشتر الهی بهره‌مند می‌کند، بلکه همواره انسان مورد محبت و تقدیر مردم قرار می‌گیرد. حال
اگر شخص بخشنده، به جای عفو و گذشت، از خطاکاران انتقام بگیرد، هرگز نمی‌تواند به این امتیازها
دست یابد. بنابراین، کسی که در هنگام خشم از خطاهای دیگران با انتقام و تنبیه، خود را آرام می‌کند،
تنها به زیان خودش عمل می‌کند و از پاداش بزرگ الهی محروم می‌شود.

۱- مجموعه ورام، ج ۱، ص ۲.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید :

اهل گذشت باشید، بی تردید عفو و گذشت بنده را عزیز و سرافراز می گرداند. پس، از یکدیگر بگذرید تا خداوند شما را عزیز و سرافراز گرداند.^۱

البته باید توجه داشته باشیم که همواره نباید از خطاهای دیگران گذشت کرد. در مواردی باید گذشت کرد که فرد خطاکار به اشتباهش پی برده و از انجام آن پشیمان شده باشد، دیگر نخواهد آن را انجام دهد و گذشت ما نیز موجب اصلاح رفتارش شود. چشم پوشی از رفتار کسانی که اشتباهات خود را نمی پذیرند و تصمیمی برای ترک آنها ندارند، موجب می شود جسارت آنان بیشتر شود و فرصتی برای اصلاح رفتارهای خود نیابند.

فعالیت کلاسی

جدول زیر را مانند نمونه کامل کنید :

مواردی که گذشت از خطای دیگران پسندیده است	مواردی که نباید از خطای افراد چشم پوشی کرد
فرد خطاکار به اشتباهش پی برده است	
	اصلاً کار خودش را خطانمی داند
بخشش باعث راهنمایی او می شود	
	بخشش او باعث بی ادبی افراد نادان دیگر می شود

خودت را امتحان کن

- ۱- غفار یعنی چه؟ چرا به خداوند مهربان غفار می گوئیم؟
- ۲- توضیح دهید گذشت از دیگران چه فایده هایی برای ما دارد؟

الهی

الهی،
ای نهایت آرزوها و درخواست‌هایم،
خطاهایم لباس ذلت بر من پوشانده،
و گناهان دلم را میرانده است، پس تو خود با توبه‌ای دلم را
زنده کن.

خداوندا، برای گناهانم جز تو آمرزنده‌ای نیافتم،
و برای شکست‌هایم غیر از تو جبران‌کننده‌ای ندیدم،
پس اگر مرا از درگفت برانی، به چه کسی پناه برم؟
و اگر از نزد خویش بازم گردانی، به چه کسی روی آورم؟
الهی، از تو می‌خواهم!
ای آمرزنده گناهان بزرگ
گناهانم را ببخش؛ که نابودگردند.
و خطاهای پنهانی‌ام را بپوشان؛ که رسواکننده‌اند.
ای مهربان‌ترین مهربانان، ...^۱

هرچیزی به جای خویش نیکوست

از میان رنگ‌های مختلف کدام رنگ زیباتر است؟

آبی؟ سبز؟ صورتی؟ و یا

حالا تصور کن؛ همه دریا‌های دنیا سبز شده‌اند. کوه‌ها هم سبز شده‌اند. خاک‌ها، آسمان‌ها، خانه‌ها،

لباس‌ها و حتی پوست و موی همه انسان‌ها و حیوانات هم سبز شده‌اند.

آیا اکنون می‌توانیم بگوییم جهان زیباتر شده است؟

دنیای یکنواخت، دنیایی خسته‌کننده و کسالت‌آور است که برای هیچ کس جذابیتی ندارد. البته

این یکنواختی تنها مربوط به رنگ‌ها نیست و اگر تمام کره زمین پوشیده از جنگل باشد، همه غذاها یک

مزه داشته باشند و همیشه هوا گرم یا سرد باشد، باز هم زندگی زیبا نخواهد بود.



فعالیت کلاسی

به نظر شما چه چیزی موجب زیبایی و جذابیت جهان پیرامون ما می‌شود؟



تفاوت‌های حکیمانه

این دیگر چیست که روی سر توست؟ چقدر زشت است! واقعاً که حیواناتی مثل تو زیبایی این جنگل را از بین می‌برند ...

اینها حرف‌های طاووس زیبایی بود که برای اولین بار گوزن بزرگی را در جنگل می‌دید. او همین طور در برابر گوزن قدم می‌زد و زیبایی پرهای رنگارنگ خودش را به رخ او می‌کشید. گاهی

هم در میان سخنانش به شاخ‌ها و پاهای بزرگ گوزن اشاره و او را مسخره می‌کرد.

طاووس آن قدر گفت و گفت که گوزن بزرگ کم‌کم خودش هم باور کرد خیلی زشت است! با خودش گفت: او راست می‌گوید. ای کاش من هم به جای این شاخ‌های زشت و بلند و این پاهای بزرگ، ظاهری زیبا و رنگارنگ داشتم ...

در همین هنگام ناگهان چشم صیادی به آن دو افتاد. با توری که در دست داشت آرام آرام به آنها نزدیک شد. با خودش گفت: من با این تور نمی‌توانم هر دوی آنها را با هم شکار کنم، پس بهتر است یکی از آن دو را انتخاب کنم. گوزن! بله او را باید بگیرم، او بزرگ‌تر است و گوشت زیادی هم دارد. اما نه! به شاخ‌های بلندش نگاه کن! اگر ناگهان با آن شاخ‌ها ضربه‌ای به من بزند، حتماً آسیب می‌بینم، از این گذشته، اگر نتوانم او را غافلگیر کنم، با پاهای قوی‌اش در یک چشم برهم زدن آن قدر از من دور

می‌شود که دیگر به گرد پای او هم نخواهم رسید. پس بهتر است از همین حالا از فکرش بیرون بیایم ...

فعالیت کلاسی

۱- در این داستان چه چیزی گوزن را از خطر مرگ نجات داد؟

۲- از ماجرای گوزن و طاووس چه نتیجه‌ای می‌توان گرفت؟

خداوند حکیم می فرماید :

عَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا
وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ
وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا
وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ
وَاللَّهُ يَعْلَمُ
وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ^۱.

چه بسا چیزی را خوش نداشته باشید،
در حالی که [همان] برای شما خوب است
یا چیزی را دوست داشته باشید،
در حالی که [آن] برای شما بد است
و خدا می داند
و شما نمی دانید.

ما انسان ها وقتی توانایی خودمان را با دیگران مقایسه می کنیم، معمولاً سرمایه های ارزشمند خود را نادیده می گیریم و فقط به چیزهایی فکر می کنیم که دیگران دارند و ما نداریم، اما اگر واقع بین باشیم، می بینیم که همه انسان ها در کنار ضعف هایشان از نقاط قوتی هم برخوردارند که دیگران از آنها محروم اند. کافی است کمی فکر کنیم تا دریابیم آنچه اکنون داریم برای زندگی ما مفید است، یا آنچه آرزوی آن را داریم؟

فعالیت کلاسی

با کمک دوستانتان جدول زیر را کامل کنید.

چیزهایی که دوستشان داریم ولی برای ما زیان آورند	چیزهایی که برای ما خوشایند نیست ولی به سود ماست

آنچه خواندیم یکی از دلایل تفاوت در آفرینش ما انسان هاست، اما این تفاوت ها علت های دیگری نیز دارد که به برخی از آنها اشاره می کنیم :

۱- سوره بقره، آیه ۲۱۶.

رشد در بستر سختی‌ها

حتماً شما هم تاکنون مدال‌های درخشان و خوش رنگ طلا را برگردن قهرمانان بزرگ جهان دیده‌اید. تا حالا فکر کرده‌اید که این مدال زیبا برای اینکه برگردن یک قهرمان بنشیند چه راه دشواری را پیموده است؟

سنگ طلا را با ضربات بسیار سخت، از معدنی که هزاران سال در آن قرار داشته جدا می‌کنند. سپس آن را به کارخانه منتقل می‌کنند و با ضربات متعدد، کاملاً خرد می‌کنند. در این مرحله است که کوره داغ و آتشین انتظار او را می‌کشد. سنگ آن قدر در کوره می‌سوزد تا تمام ناخالصی‌ها از وجود ارزشمندش جدا شود و فقط فلزی صاف و درخشان باقی بماند. حالا دیگر وقت آن است که او را به صنعتگری ماهر و با تجربه بسپارند تا با ضربه‌های ریز و دقیق چکش، مدالی زیبا بسازد. حالا خودتان قضاوت کنید؛ اگر سنگ طلا این همه رنج و درد را تحمل نمی‌کرد، آیا هرگز این ارزش را پیدا می‌کرد که بر سینه قهرمانان بزرگ جای گیرد؟
پیامبر اکرم **صلی الله علیه وآله وسلم** می‌فرماید :

مردم معدنی هستند مانند معدن‌های طلا و نقره.^۱

بنابراین گرفتاری‌ها و مشکلات زندگی ما در حقیقت همان کوره‌های آتشین هستند که گوهر ارزشمند درون ما را از ناخالصی‌ها جدا می‌کنند و ما را به این شایستگی می‌رسانند که با قهرمانان تاریخ بشریت یعنی پیامبران و اولیای خدا هم‌نشین شویم.

امام صادق **علیه السلام** می‌فرماید :

گاهی اوقات مومن نزد خداوند مقامی دارد که نمی‌تواند با اعمال خودش به آن برسد، پس خداوند او را به بلای جسمانی مانند بیماری و ضعف و یا گرفتاری مالی یا مصیبت فرزندان دچار می‌کند تا اگر بردباری کرد او را به آن مقام برساند!

۱- من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۲۸۰.

هر که بامش بیش...

هنگامی که توانایی‌های افراد را با یکدیگر مقایسه می‌کنیم، می‌بینیم که انجام کارهای پسندیده برای بعضی از آنها راحت‌تر از دیگران است. مثلاً کسی که دارایی بسیاری دارد به راحتی می‌تواند به ده‌ها نیازمند کمک کند، بارها به زیارت خانه خدا برود و در ماه مبارک رمضان به روزه‌داران بسیاری افطار دهد. اینها اعمال پسندیده‌ای است که انجامشان برای همه مردم امکان‌پذیر نیست. به نظر شما آیا می‌توانیم بگوییم که بقیه مردم از پاداش این کارهای نیک محروم شده‌اند؟ خداوند حکیم در قرآن می‌فرماید:

«لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا...»^۱
خداوند از هیچ کس بیش از توانایی‌اش تکلیفی نمی‌خواهد.

این آیه به خوبی نشان می‌دهد که انتظار خداوند از انسان‌ها هرگز یکسان نیست و وظیفه هر فرد نزد پروردگارش متناسب نعمت‌ها و توانایی‌هایی است که در اختیار دارد. برای مثال اگر کشور اسلامی مورد هجوم دشمنان قرار گیرد، کسانی که از سلامتی و قدرت کافی برخوردارند و توانایی جنگیدن در جبهه را دارند، وظیفه دارند در جبهه حضور بیابند و رو در روی دشمنان جهاد کنند. این وظیفه‌ایست که خداوند به عهده آنان قرار داده است. اما کسانی که واقعاً توان مقابله با دشمن را ندارند، لازم نیست در خط مقدم جبهه حضور یابند، بلکه این افراد وظیفه دارند پشت جبهه‌ها، نیازهای رزمندگان (مانند تهیه اسلحه و رساندن آذوقه به آنان) را برطرف کنند. روشن است که هریک از این افراد اگر به وظیفه خود به درستی عمل کنند، نزد خداوند از مجاهدان به‌شمار می‌روند و شایسته پاداش بزرگ الهی می‌شوند.

خودت را امتحان کن

- ۱- توضیح دهید که چرا خداوند حکیم مردم را دقیقاً مانند یکدیگر نیافریده است؟
- ۲- دو برادر را تصور کنید که یکی از آنها باهوش‌تر از دیگری است. آیا می‌توانیم بگوییم آفرینش آن دو عادلانه نبوده است؟ چرا؟
- ۳- سخن امام صادق **علیه السلام** را دربارهٔ گرفتاری‌های مسلمانان بیان کنید.

۱- سوره بقره، آیه ۲۸۶.

فصل دوم: راه و توشه



خداوند دانا و مهربان ما را به این دنیا آورده است تا با انجام اعمال صالح و دوری از کارهای ناپسند، بهشت خود را آباد کنیم. ما در سال‌های پیش با برخی کارها که توشه مناسبی برای سفر به سوی بهشت الهی هستند آشنا شدیم. نیکی به پدر و مادر، نماز خواندن، روزه گرفتن، زیارت اولیای الهی، علم‌آموزی و راست‌گویی از این توشه‌ها هستند.

درس سوم (افتخار بندگی) به ما نشان می‌دهد که حرکت اصلی ما به سوی بهشت از چه زمانی آغاز می‌شود و ما در این زمان که سن تکلیف نامیده می‌شود چه کارهایی را نباید انجام دهیم و چه کارهایی را باید انجام دهیم.

درس چهارم (از آگاهان بپرسیم) اهمیت مراجعه به افراد کارشناس و خبره را در هر موضوعی یادآور می‌شود و به معرفی کارشناسان اصلی دین و ویژگی‌های آنان می‌پردازد.

درس پنجم (وضو و تیمم) شیوه صحیح وضو گرفتن و شرایط آن را به ما می‌آموزد. این درس در ادامه به مواردی که به جای وضو باید تیمم کنیم اشاره می‌کند و شیوه انجام تیمم را برای ما توضیح می‌دهد.

درس ششم (مبطلات نماز) به ما می‌آموزد که انجام چه کارهایی باعث باطل شدن نماز نمازگزار می‌شود.



افتخار بندگی

روز به یاد ماندنی

— پسر، این هدیه را از من و مادرت
بپذیر! این هدیه‌ای است برای تبریک این روز
مهم!

: روز مهم؟ مگر امروز چه روزی است؟
نکند سالروز تولد من است؟ اما نه، هنوز تا آن
روز وقت خیلی مانده!

با کنجکاوای جعبه را برداشتم و آن را
باز کردم. انگشتر زیبای نقره با نگینی از عقیق
قرمز!

: خیلی از شما ممنونم، اما واقعاً من
هنوز نفهمیده‌ام که امروز چه روزی است و این
هدیه برای چیست؟

پسر؛ امروز یکی از مهم‌ترین روزهای

زندگی توست، روزی که از دوران کودکی بیرون می‌آیی و گام به مرحله جدیدی از زندگی خود
می‌گذاری! تو از امروز بالغ می‌شوی و به دنیای بزرگ‌ترها وارد می‌شوی. ما هم از این اتفاق خوشحالیم
و برایت دعا می‌کنیم تا خداوند تو را در انجام مسئولیت‌های جدیدی که از این پس به‌عهده خواهی
داشت یاری کند.

: مسئولیت های جدید؟ منظورتان کدام مسئولیت هاست؟

— وقتی بچه ها به سن بلوغ می رسند، توقع دیگران از آنها بالاتر می رود. خداوند نیز مسئولیت های جدیدی را به عهده آنان قرار می دهد و دیگر از آنان نمی پذیرد که مانند کودکان و افراد نابالغ، در انجام واجبات دینی شان کوتاهی کنند. در حقیقت از این به بعد خداوند شما را در جمع بزرگ ترها پذیرفته و برای شما حساب ویژه ای باز خواهد کرد. پس می بینی که شایسته است چنین روزی را مانند سالروز تولدت جشن بگیریم و برای این اتفاق مهم و پر برکت، برایت هدیه ای تهیه کنیم.

احساس خیلی خوبی داشتم. انگشترم را در دست کردم و به آن نگاه کردم. با نگاه به آن احساس کردم مهم تر شده ام و شخصیت من رسمیت یافته است. زیرلب گفتم: تو را نگه می دارم. تو یادگار روز مهمی هستی. تو را نگه می دارم تا هرگز این روز را فراموش نکنم. نه این روز را و نه مسئولیت جدیدم را ...



بلوغ برای یک مسلمان سرآغاز انجام تکالیف شرعی است. یعنی بر هر دختر و پسر مسلمان واجب است که پس از بلوغ، مانند بزرگسالان، به احکام دینی خود همانند نماز، روزه، حجاب و... عمل کنند.

البته انجام این تکالیف ها ممکن است در ابتدا با دشواری هایی نیز همراه باشد. مثلاً هر روز پیش از طلوع آفتاب برای نماز صبح از خواب بیدار شویم، در ماه رمضان از صبح تا غروب روزه بگیریم، در هنگام روپرو شدن با نامحرمان نگاه خود را کنترل کنیم و...

در این هنگام است که از خودمان می پرسیم: اگر خداوند بعد از بلوغ نیز مانند گذشته ما را دوست دارد، پس چرا با واجب کردن عبادات و احکام دینی، ما را با سختی ها روپرو می کند؟

برای پاسخ به این پرسش خوب است مثالی بزنیم!

تصور کنید شما مربی ورزش های رزمی هستید.

در باشگاهی که شما به مربی گری مشغول هستید، ده ها نفر هنرجوی ورزشکار حضور دارند.

عده ای کوچک، کم سن و سال و ناتوان، عده ای دیگر بزرگ تر و آماده برای ورزش حرفه ای.

آیا شما برای همه این افراد تمرین های یکسانی در نظر می گیرید؟

حالا تصور کنید تا چند ماه دیگر مسابقات ورزشی برای انتخاب ورزشکاران برتر برگزار خواهد

شد و شما سخت مشغول آموزش شاگردان خود هستید. در میان آنها چند نفر هستند که آمادگی بدنی

و مهارت بیشتری نسبت به دیگران دارند و شما امیدوارید که این افراد بتوانند در مسابقات آینده به

مدال‌های رنگارنگی دست یابند.

آیا تمرین‌هایی که به این افراد می‌دهید با تمرین‌های بقیه افراد یکسان است؟
شما که به عنوان مربی به شاگردان ارشدتان توجه و علاقه بیشتری دارید، چرا آنان را بیش از دیگران به سختی می‌اندازید؟
این سختی‌های فوق‌العاده نشانه چیست؟



همین‌طور که می‌بینیم، وظایف دینی ما نیز در حقیقت نشانه لطف ویژه پروردگار به ما انسان‌هاست که هر چند انجام آنها در ظاهر با سختی‌هایی نیز همراه است، اما تحمل این دشواری‌ها به خاطر رشد و پیشرفتی که برای انسان به دنبال دارند، کاملاً منطقی است.

فعالیت کلاسی

با دوستانتان در کلاس مشورت کنید و نمونه‌های دیگری از تکالیف را که انجام آنها باعث رشد و پیشرفت افراد می‌شود، بیان کنید.

نشانه‌های تکلیف

- رسیدن به بلوغ سه نشانه دارد. اگر یکی از این نشانه‌ها در کسی بروز کند، به بلوغ می‌رسد:
- ۱- رویدن مو در برخی قسمت‌های بدن،
 - ۲- فعال شدن برخی هورمون‌ها در بدن که نشانه‌های آن در پسران و دختران متفاوت است، و
 - ۳- رسیدن به سن بلوغ؛ این سن برای پسران پایان پانزده سالگی قمری و برای دختران پایان نه سالگی قمری است.

بیشتر بدانیم

هم‌زمان با بلوغ جسمی، معمولاً تغییرات دیگری نیز در بدن به وجود می‌آید که ناآگاهی از آنها می‌تواند باعث نگرانی افراد شود.

تغییر تدریجی صدا و اصطلاحاً دو رگه شدن صداها، به هم خوردن میزان خواب و خوراک، تغییرات وزن، رشد ناگهانی و نامتوازن طولی بدن که معمولاً با رشد استخوان

با آغاز می‌شود، بروز جوش‌های پوستی در صورت و بدن و به‌وجود آمدن تغییراتی در چهره از این دسته تغییرات‌اند.
این تغییرات بدنی، تغییراتی گذرا هستند که به تدریج از بین می‌روند و بدن به شکل طبیعی خود بازمی‌گردد. توجه به توصیه‌های بهداشتی، مهم‌ترین راه‌کار عبور از این مرحله زندگی است.

تحولات پس از بلوغ

بلوغ علاوه بر تغییرات جسمی، تحولات روحی و شخصیتی مهمی را نیز به دنبال دارد. در این میان انسان‌ها به‌صورت طبیعی به طرح پرسش‌های جدید می‌پردازند. این پرسشگری در حدی است که حتی در برخی دانسته‌های قبلی خود نیز دچار تردید می‌شوند و تلاش می‌کنند، همه دانسته‌ها و اعتقادات خود را براساس منطقی جدید نظم دهند.

دین اسلام با محترم شمردن این ویژگی، توصیه می‌کند در این هنگام - که زمان بنیان‌گذاری عقاید دینی اوست - اصول و زیربنای کلی دین خود را بر روی استدلال‌های قوی و منطقی بنا نهد و از تقلید در اصول دین بپرهیزد. آینده‌نگری و تلاش برای یافتن دوستانی مناسب، نتیجه رشد فکری انسان است.

حضرت علی **علیه السلام** درباره بهره‌گیری از رشد فکری جوانان در تصمیم‌گیری‌ها می‌فرماید:

در کارهایی که برایت پیش می‌آید، هرگاه به مشورت نیاز پیدا کردی، اول موضوع را با جوانان در میدان گذار، چرا که هوش آنان تیزتر و سرعت حدس‌شان بیشتر از دیگران است. سپس همان نظرات را با سالخوردگان به مشورت بگذار تا بهترین آنها را انتخاب کنند، چرا که تجربه آنها از دیگران بیشتر است.^۱

تحول بعدی پس از بلوغ در رفتار ما، حس استقلال‌طلبی است. ما پس از بلوغ احساس می‌کنیم که می‌توانیم مستقلاً دیدگاه‌های خود را بیان کنیم. دوست داریم دیگران به سخنانمان توجه کنند و به نظرات ما احترام بگذارند. وقتی می‌بینیم در جمع همسالان راحت‌تر می‌توانیم به اظهار نظر پردازیم، ترجیح می‌دهیم در این جمع‌ها حضور بیشتری داشته باشیم. از این گذشته، احساس مسئولیت

۱- شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدیج ج ۲۰ ص ۳۳۷.

می‌کنیم؛ ما که تا قبل از این خود را نیازمند حمایت دیگران می‌دانستیم، پس از بلوغ حتی سعی می‌کنیم حامی دیگران نیز باشیم.

نکته بسیار مهم این است که اگر با همین روحیات فطری و خدادادی - که باعث شکوفایی شخصیت انسان در دوران بلوغ می‌شوند - به درستی برخورد نکنیم و یا در آنها زیاده‌روی کنیم، انحرافات و مشکلات فکری و اخلاقی زیادی در کمین ما خواهند بود. برای مثال شخصی را تصور کنید که پرسش‌های زیادی درباره مسائل دینی و یا تغییرات جسمی خود، برایش ایجاد شده است. اگر او این پرسش‌ها را با افراد ناآگاه و یا کسانی که اعتقاد صحیحی ندارند مطرح کند، آیا جز سرگردانی و گمراهی نتیجه دیگری خواهد گرفت؟

فعالیت کلاسی

در جدول زیر به رفتار برخی افراد در دوران بلوغ اشاره شده است. با دوستانتان در کلاس گفتگو کنید و مشکلات به وجود آمده از زیاده‌روی یا برخورد نادرست با هر کدام را مقابل آنها بنویسید.

به قدرت فکر و عقل خودش اطمینان دارد.	
می‌خواهد دیگران تمام نظرات او را بپذیرند.	
جمع دوستانش را به همه جا ترجیح می‌دهد.	
می‌خواهد همه چیز را خودش تجربه کند.	
دوست ندارد کسی او را نصیحت کند.	

توجه داشته باشیم که هر چند انجام تکالیف شرعی قبل از بلوغ بر ما واجب نیست اما اسلام از ما می‌خواهد پیش از رسیدن به سن بلوغ با وظایف دینی خود آشنا شویم و با تمرین این تکالیف علاوه بر بهره‌مندی از پاداش‌های ارزشمند الهی، شرایط را طوری مهیا کنیم که انجام این وظایف پس از رسیدن به بلوغ برای ما دشوار نباشد.

زندگی اهل بیت پیامبر **علیهم‌السلام** به ما نشان می‌دهد که آنان نیز فرزندانشان را از خردسالی به انجام و تمرین وظایف پس از بلوغشان راهنمایی می‌کردند و از آنان می‌خواستند تا حدی که برایشان مقدور است به این تکالیف عمل کنند.^۱

۱- کافی، ج ۳، ص ۴۰۹.

امام صادق علیه السلام درباره ارزش عبادت نوجوانان می فرماید :

محبوب ترین آفریده ها نزد خداوند بلندمرتبه، جوان نورسیده و با طراوتی است که جوانی و شادابی اش را در اطاعت خداوند سپری می کند. خداوند به چنین کسی نزد فرشتگانش مباحثات می کند و می فرماید : این است بنده واقعی من!

خودت را امتحان کن

- ۱- چرا روز آغاز تکلیف را باید جشن گرفت؟
- ۲- نشانه های بلوغ را به صورت خلاصه بیان کنید.
- ۳- با توجه به حدیث امام علی علیه السلام، چرا در هنگام مشورت بهتر است ابتدا موضوع را با جوانان در میان بگذاریم؟
- ۴- یک مسلمان از چه زمانی باید فراگیری تکالیف دینی اش را آغاز کند؟ چرا؟